

در دیدار روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴ رهبر حکیم انقلاب اسلامی با مسئولان قوای سه‌گانه، نقشه‌ای راهبردی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشور ترسیم شد. این نقشه راه، شامل ۱۰ محور کلیدی است، از کنترل نقدینگی و اصلاح الگوی مصرف انرژی تا رفع موانع سرمایه‌گذاری و گسترش روابط اقتصادی با همسایگان. این راهبردها نه تنها برای عبور از چالش‌های اقتصادی فعلی ضروری‌اند، بلکه زمینه‌ساز تحقق شعار سال ۱۴۰۴ یعنی «سرمایه‌گذاری برای تولید» نیز خواهند بود. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل خواهند شد. این نهمین گزارش بر یکی از بنیادی‌ترین این محورها یعنی اجرای دقیق برنامه هفتم تمرکز دارد.

۱۲ گزارش یک

سعید فرح‌بخش



سلسله گزارش‌های نقشه راه اقتصاد پویا – ۹

برنامه هفتم هفت خان تولید را حذف می‌کند

برنامه هفتم توسعه با هدفگذاری‌های واقع‌بینانه، نقشه راهی برای پیشرفت اقتصادی و ایمنی زیرساخت‌ها ترسیم می‌کند و موفقیت آن در گرو اجرای دقیق و صحیح است

ایران عزیز در آستانه جهشی سترگ ایستاده است، اما این پش بلند تنها با اجرای دقیق و بی‌امان برنامه هفتم توسعه به واقعیت می‌پیوندد. این جمله، چکیده آمال ملت‌ای است که زیرساخت‌های امن، اقتصادی شکوفا و آینده‌ای تابانک می‌جوید. برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه (۱۴۰۷-۱۴۳۰)، با هدفگذاری رشد ۸ درصدی اقتصاد، اصلاح نظام بانکی و استحکام زیرساخت‌های حیاتی، نقشه‌ای راهبردی برای تحقق این آرمان‌هاست. از هدایت نقدینگی به سوی تولید و پشتیبانی از نگاه‌های کوچک و متوسط تا جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه زیرساخت‌های صنعتی، این

نظام بانکی است. بانک‌ها به جای حمایت از تولید، اغلب به سمت فعالیت‌های سوداگرانه سوق پیدا کرده‌اند. برنامه هفتم با الزام بانک‌ها به تخصیص ۴۰ درصد از تسهیلات به بخش تولید می‌خواهد این روند را اصلاح کند. همچنین ایجاد حساب‌های ویژه برای تأمین مالی نگاه‌های کوچک و متوسط (SME) در این برنامه پیش‌بینی شده است. تجربه کره جنوبی که با اصلاح نظام بانکی در دهه ۱۹۷۰، تولید صنعتی‌اش را متحول کرد، نشان می‌دهد هدایت نقدینگی به سمت تولید، کلید موفقیت است. اما اجرای این سیاست، نیازمند نظارت دقیق و برخورد با تخلفات بانکی است.

اصلاح زیرساخت‌های صنعتی و رفع موانع تولید محقق نمی‌شود.

■ **اصلاح نظام بانکی: خون تازه در رگ‌های تولید**

یکی از موانع اصلی رونق تولید در ایران، ناترازی



■ **عزم ملی، نظارت شفاف و دیپلماسی اقتصادی قوی کلیدهایی هستند که قفل چالش‌های برنامه هفتم را باز و ایران را به قدرت صنعتی منطقه بدل می‌کنند**

برنامه هفتم توسعه با تأکید بر رونق تولید داخلی می‌خواهد وابستگی اقتصاد کشورمان به نفت را به حداقل برساند. هدفگذاری رشد ۸ درصدی اقتصاد، نیازمند افزایش تولید در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات است. بر اساس آمار، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۳ درصد بود. برنامه هفتم با هدف افزایش این سهم به ۲۰ درصد تا سال ۱۴۰۷، سیاست‌هایی مانند اعطای تسهیلات هدفمند، کاهش مالیات تولید و توسعه شهرک‌های صنعتی را پیشنهاد کرده است. تجربه چین که با حمایت از تولید داخلی اقتصادش را در سه دهه ۱۰ برابر کرد، الگویی الهام‌بخش است. اما این هدف بدون

۱۲ گزارش ۲

هدایت سرمایه‌های نامشهود در دست مردم به سمت تولید

■ **حامد سلیمانی***

افراد در تصمیم‌گیری‌های خود درباره تخصیص منابع و دارایی‌ها، همواره به دنبال بازدهی بیشتر هستند. این موضوع به وضوح در رفتار جمعی مردم کشور در سال‌های اخیر قابل مشاهده است. بازارهای پرسودی همچون طلا، ارز و خودرو با بازدهی‌های غیرمنطقی، روزبه‌روز رونق یافته‌اند و حجم مبادلات در آنها افزایش پیدا کرده است. در نتیجه، رشد نقدینگی که انتظار می‌رفت همچون خونی در رگ‌های اقتصاد جریان یابد و کشور را از رکود نجات دهد، بیشتر به رونق دلالی و سفته‌بازی منجر شده است.

برای تغییر این شرایط، لازم است اقداماتی صورت گیرد تا بازدهی بخش تولیدی کشور از بازارهای نامولد فراتر رود. این مسیر هزینه‌های کمتری برای سیاستگذار به همراه خواهد داشت، چرا که مسیر جایگزین – که مبتنی بر نظارت سختگیرانه بر تسهیلات اعطایی است – نه تنها زمینه رانت و فساد را گسترش می‌دهد، بلکه در نهایت با شکست مواجه شده و موجب می‌شود نقدینگی بار دیگر به سمت بازارهای با بازدهی بالاتر بازگردد.

■ **سرمایه‌های نامشهود مردم به روایت آمار**

طبق آخرین گزارش بانک مرکزی، حجم نقدینگی کشور به بیش از ۹ هزار و ۹۴۲ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که بررسی اجرای تشکیل دهنده آن نکات قابل تأملی درباره روند تغییرات پول و شبه‌پول آشکار می‌کند. اطلاعات رسمی منتشرشده نشان می‌دهد نقدینگی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۸/۴ درصد رشد داشته است. از این میزان، سهم پول ۲۴/۵ درصد، معادل ۲ هزار و ۳۸۰ هزار میلیارد تومان بوده است.

آمار و ارقام حکایت از آن دارد که نقدینگی بالا و حجم عظیم شبه‌پول، به چالشی جدی برای اقتصاد کشور و تصمیم‌گیران دولتی تبدیل شده است. تنها ۲۴ درصد از کل نقدینگی به‌صورت پول نقد و سپرده‌های دپداری در دسترس مردم قرار دارد و بخش عمده‌ای از آن در قالب شبه‌پول که قابلیت تبدیل سریع به وجه نقد را ندارد، باقی مانده است. این موضوع ضرورت به کارگیری این منابع در مسیر تأمین مالی پروژه‌هایی با اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی را برجسته می‌کند. از سوی دیگر، ارز و طلا به که مردم خارج از جریان بانکی، تولیدی و تجاری نگهداری می‌کنند، طبق آمارهای شورای بانک و بورس به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. این دارایی‌های را کد، سرمایه ملی‌ای هستند که خارج از چرخه اقتصادی قرار گرفته‌اند، بنابراین با توجه به شرایط اقتصادی موجود، ضرورت جذب و هدایت این سرمایه‌های غیرمولد به سوی فعالیت‌های اقتصادی بیش از پیش احساس می‌شود.

■ **جمع آوری نقدینگی مردمی و تبدیل آن به قوای محرکه اقتصاد**

مردم همواره مقداری نقدینگی در اختیار دارند که مایلند آن را افزایش دهند. در یک اقتصاد سالم، مردم نقدینگی خود را در جهت رشد نگاه‌های تولیدی و در مجموع در جهت رشد و اعتلای اقتصاد ملی به کار می‌برند اما در شرایط فعلی کشور، نقدینگی مردم بیشتر به سمت سوداگری و سرمایه‌گذاری‌های راکد سوق یافته است. در این شرایط، دولت باید وارد عمل شود و با فراهم ساختن بسترهای لازم برای ایجاد نگاه‌های اقتصادی مردمی، نقدینگی اندک گروه‌های کوچک را در قالب این نگاه‌ها جمع کند. سپس با استفاده از اعتبارات بودجه‌ای مانند تبصره ۱۸ قانون بودجه باید این ظرفیت‌ها

را در جهت جهش تولید محصولات دارای مزیت و سپس صادرات این محصولات هدایت کند تا عواید ارزی آن به دست آید. در این مسیر، دولت باید نهادی تشکیل دهد که کارواژه آن تجمع نقدینگی مردم و مشارکت آنها در اقتصاد باشد. این اقدام ضمن القای حس مشارکت و منافع به مردم، از سرمایه آنها در جهت بودجه‌ریزی برای پروژه‌های پیشران و حمایتی می‌تواند این نقدینگی را جمع‌آوری و مدیریت آن را به خود مردم واگذار کند. همچنین باید در سیاستگذاری برای بهربرداری از این صندوق‌ها در صادرات محصولات دارای مزیت و ارزش بالای صادراتی اقدامات لازم را انجام دهد. یکی از راه‌های تحقق این هدف، مالیات است. با توجه به نقش توزیعی مالیات، می‌توان با افزایش هزینه مبادلات غیرمولد و تخصیص عایدی حاصل از آن به فعالیت‌های مولد و تولیدی، مسیر حرکت نقدینگی را تغییر داد. البته در این مسیر، شفافیت نقش بسیار مهمی دارد، بنابراین باید به گونه‌ای عمل شود که تسهیلات اعطایی در اختیار صاحبان رانت قرار نگیرد و فساد در این زمینه کاهش یابد. این امر باعث می‌شود رشد تولید در مسیر آسان‌تری پیش رود و زمینه برای تأسیس و رونق شرکت‌های صادراتی بزرگ که توسط مردم تأسیس و هدایت می‌شوند، فراهم شود. از این طریق، مردم می‌توانند در شرایط نوسان قیمت ارز، درآمدهای کسب کنند و نقدینگی خود را در دولت نیز با تسهیل‌گری خود می‌تواند تولید ملی را افزایش دهد و اشتغال‌زایی کند. این اقدامات در نهایت منجر به پیوند منافع مردم و دولت خواهد شد که در کنار آن شاهد کاهش گسل‌های اجتماعی و سیاسی نیز خواهیم بود. البته توجه به این نکته

ضروری است که این راهکارها تنها در صورتی قابل اجراست که دولت در روند فضای کسب‌وکار تسهیل‌گری و فرهنگ‌سازی لازم‌برای سرمایه‌گذاری مردم را فراهم کند.

■ **ضرورت تسهیل فضای کسب‌وکار و ترویج فرهنگ سرمایه‌گذاری**

فراتر از ابزارهای مالی، یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی در این مسیر، تسهیل فضای کسب‌وکار است. بخش عمده‌ای از موانع تولید در کشور به چالش‌های نهادی، اداری و ساختاری برمی‌گردد. فرایند دشوار صدور مجوز، نبود حمایت هدفمند از صنایع نوپا و عدم انسجام در سیاستگذاری‌ها، همه و همه باعث شده‌اند تولیدکنندگان با ریسک‌های فراوانی روبه‌رو شوند. برای جذب سرمایه به این فضا، ابتدا باید فضای سرمایه‌گذاری در تولید ایمن، ساده و پیش‌بینی‌پذیر باشد. از سوی دیگر، فرهنگ سرمایه‌گذاری نیز نقش بسیار مهمی در بدین منظور، تلاش دولت برای هدایت نقدینگی در دست مردم از بازارهای غیرمولد به حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و صادرات‌محور امری ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی ایران (ایران اکسپو) فرصت مناسبی برای حمایت از صنایع نوپا و سرمایه‌گذاری سودآور در شرکت‌های دانش‌بنیان است.

■ **نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی ایران فرصتی برای جذب نقدینگی در دست مردم**

نمایشگاه ایران اکسپو با فراهم آوردن فضایی مناسب

۱۲ گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با مهدی رحیمی اقتصاددان درباره الزامات اجرای دقیق برنامه هفتم توسعه

تخصیص ۴۰ درصد تسهیلات به تولید در برنامه هفتم بهترین هدف‌گیری آن است

«هفت خان تولید، از ناترازی بانکی تا بوروکراسی نفسگیر، نفس اقتصاد کشورمان را برده‌اند، اما برنامه هفتم می‌تواند این گر‌ها را باز کند». این باور مهدی رحیمی، اقتصاددان است که سال‌ها سیاستگذاری صنعتی را رصد کرده است. او در گفت‌وگویی چالشی با «جوان»، ضمن تأیید محورهای برنامه هفتم توسعه و همراستایی آن با نقشه راه اقتصاد مقاومتی رهبر انقلاب در دیدار ۲۶ فروردین ۱۴۰۴، بر اجرای دقیق، نظارت شفاف و هماهنگی قوای سه‌گانه تأکید می‌کند. رحیمی معتقد است برنامه هفتم با هدف رشد ۸ درصدی اقتصاد، اصلاح نظام بانکی و حمایت از تولید می‌تواند شمار سال ۱۴۰۴ (سرمایه‌گذاری برای تولید) را محقق کند. اما او هشدار می‌دهد بدون عزم ملی و رفع موانع ساختاری، این برنامه نیز به سرنوشت پیش‌بینیش دچار می‌شود. در این مصاحبه، رحیمی از چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای فنی برای عبور از هفت خان تولید سخن می‌گوید و آ‌پنده‌ای روشن برای اقتصاد ایران ترسیم می‌کند.

برنامه هفتم با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و مشوق‌های مالی، مسیر راهوار کرده‌است. ترکیه در دهه ۲۰۰۰ با همین سیاست، ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه جذب کرد، اما تحریم‌ها نبود اعتماد، موانع جدی‌اند. باید توانمندسازی تجاری با کشورهای همسایه و قوانین سرمایه‌گذاری را شفاف کنیم.

■ **تحریم‌ها چطور مدیریت می‌شوند؟**

با تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای خودکفایی در فناوری. مثلاً عراق و عمان، بازارهای بزرگی برای تولیدات ایرانی‌اند. برنامه هفتم باید دیپلماسی اقتصادی را از حالت انفالسی خارج و تیم‌های مذاکره‌کننده قوی اعزام کند.

■ **فناوری و زیرساخت چه نقشی در رفع موانع تولید دارند؟**

تولید مدرن بدون فناوری و زیرساخت ممکن نیست. برنامه هفتم با هدف افزایش سهم شرکت‌های دانش‌بنیان به ۲۰ درصد و توسعه شهرک‌های صنعتی، درست هدفگذاری کرده‌است. مثلاً شهرک‌های صنعتی جدید می‌توانند ظرفیت تولید را ۲۵ درصد افزایش دهند، اما بودجه این بخش باید دقیق تخصیص یابد. تجربه سنگاپور که با پارک‌های فناوری به هاب صنعتی بدل شد، الگویی خوبی است.

■ **زیرساخت‌های صنعتی ما چه مشکلی دارند؟**

سوداگری و کمبود. ۶۰ درصد تجهیزات صنعتی ایران بالای ۲۰ سال عمر دارند. برنامه هفتم باید نوسازی را با جذب سرمایه خصوصی تسریع کند. مثلاً مشارکت بخش خصوصی در شهرک‌های صنعتی می‌تواند هزینه‌ها را ۴۰ درصد کاهش دهد. چرا برنامه‌های قبلی ناکام ماندند و برنامه هفتم چطور موفق می‌شود؟

برنامه‌های قبلی به دلیل نبود هماهنگی بین دستگاهی و نظارت ضعیف، کمتر از ۲۵ درصد محقق شدند. برنامه هفتم با رویکرد مسئله‌محور و شناسایی ۳۵ چالش، این ضعف را هدف گرفته است. اما بدون کمیته‌ای مستقل برای پایش و گزارش‌دهی شفاف، شکست می‌خورد. باید اتاق فرماندهی واحد تشکیل شود که دستگاه‌ها را پاسخگو نگه دارد.

■ **این کمیته چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟**

استقلال، تخصص و شفافیت. باید از کارشناسان اقتصادی، نمایندگان مجلس و بخش خصوصی تشکیل شود و هر سه ماه گزارش عمومی منتشر کنند. تجربه مالزی که با نظارت متمرکز برنامه‌های توسعه را اجرا کرد، نشان‌داد این مدل جواب می‌دهد.

■ **بزرگ‌ترین ریسک برنامه هفتم چیست؟**

ناکارآمدی اجرایی. اگر قوای سه‌گانه هماهنگ نشوند و بودجه درست تخصیص نیابد، هدف ۸ درصدی رشد، خیال‌پردازی می‌شود. مثلاً در برنامه ششم، ۵۰ درصد بودجه زیرساختی هزینه نشد. برنامه هفتم باید نظام بودجه‌ریزی را اصلاح کند و دستگاه‌ها را پاسخگو نگه دارد.

■ **با اجرای برنامه هفتم، تولید ایران به کجا می‌رسد؟**

اگر دقیق اجرا نشود، ایران تا ۱۴۰۷ با قدرت صنعتی منطقه تبدیل می‌شود. افزایش ۷ درصدی سهم صنعت، ایجاد ۲ میلیون شغل و صادرات ۱۰۰ میلیارد دلاری، دور از دسترس نیست، اما عزم ملی، نظارت شفاف و دیپلماسی اقتصادی، شرط موفقیت‌اند. برنامه هفتم می‌تواند هفت خان تولید را برطرف کند و اقتصاد مقاومتی را محقق سازد.



برای مذاکرات تجاری، ایجاد شبکه‌های ارتباطی و معرفی آخرین فناوری‌های ایران‌ساختی، به فعالان اقتصادی و تجار ایرانی کمک می‌کند تا بازارهای صادراتی خود را گسترش دهند. از این رو، علاوه بر نفع فردی می‌تواند به عنوان یک سرمایه‌گذاری امن برای پول‌های سرگردان در بازارهای غیرمولد عمل کند و در نهایت منجر به رونق تولید و رشد اقتصادی کشور شود.

ایجاد شبکه‌های تجاری و همکاری‌های BYB برای ارتباط با بازار گاتان خارجی، گسترش بازارهای داخلی و بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاران و یافتن شرکای تجاری جدید، تبادل اطلاعات و استراتژی‌های توسعه کسب‌وکار و فرصت‌های بازاریابی و برندینگ، از دستاوردهای این نمایشگاه به شمار می‌روند. این دستاوردها نیازمند توجه و حمایت دولت و بخش خصوصی به‌ویژه تجمع سرمایه‌های مردمی است.

پژوهشگر اقتصادی